

به نام خداوند رحمتگر مهربان

الف لام میم صاد ۱

کتابی است که به سوی تو فرو فرستاده شده است پس نباید در سینه تو از ناحیه آن تنگی باشد تا به وسیله آن هشدار دهی و برای مؤمنان پندی باشد ۲

آنچه را از جانب پروردگارتان به سوی شما فرو فرستاده شده است پیروی کنید و جز او از معبودان [دیگر] پیروی نکنید چه اندک پند می‌گیرید ۳

و چه بسیار شهرها که [مردم] آن را به هلاکت رسانیدیم و در حالی که به خواب شبانگاهی رفته یا نیمروز غنوده بودند عذاب ما به آنها رسید ۴

و هنگامی که عذاب ما بر آنان آمد سخنشان جز این نبود که گفتند راستی که ما ستمکار بودیم ۵

پس قطعا از کسانی که [پیامبران] به سوی آنان فرستاده شده‌اند خواهیم پرسید و قطعا از [خود] فرستادگان [نیز] خواهیم پرسید ۶

و از روی دانش به آنان گزارش خواهیم داد و ما [از احوال آنان] غایب نبوده‌ایم 7

و در آن روز سنجش [اعمال] درست است پس هر کس میزانهای [عمل] او گران باشد آنان خود رستگاراند ۸

و هر کس میزانهای [عمل] او سبک باشد پس آنانند که به خود زیان زده‌اند چرا که به آیات ما ستم کرده‌اند ۹

و قطعا شما را در زمین قدرت عمل دادیم و برای شما در آن وسایل معیشت نهادیم [اما] چه کم سپاسگزاری می‌کنید ۱۰

و در حقیقت شما را خلق کردیم سپس به صورتگری شما پرداختیم آنگاه به فرشتگان گفتیم برای آدم سجده کنید پس [همه] سجده کردند جز ابلیس که از سجده‌کنندگان نبود 11

فرمود چون تو را به سجده امر کردم چه چیز تو را باز داشت از اینکه سجده کنی گفت من از او بهترم مرا از آتشی آفریدی و او را از گل آفریدی ۱۲

فرمود از آن [مقام] فرو شو تو را نرسد که در آن [جایگاه] تکبر نمایی پس بیرون شو که تو از خوارشدگانی ۱۳

گفت مرا تا روزی که [مردم] برانگیخته خواهند شد مهلت ده ۱۴

فرمود تو از مهلت یافتگانی ۱۵

گفت پس به سبب آنکه مرا به بیراهه افکندی من هم برای [فریفتن] آنان حتما بر سر راه راست تو خواهم نشست ۱۶

آنگاه از پیش رو و از پشت سرشان و از طرف راست و از طرف چپشان بر آنها می‌تازم و بیشترشان را شکرگزار نخواهی یافت ۱۷

فرمود نکوهیده و رانده از آن [مقام] بیرون شو که قطعا هر که از آنان از تو پیروی کند جهنم را از همه شما پر خواهیم کرد ۱۸

و ای آدم تو با جفت خویش در آن باغ سکونت گیر و از هر جا که خواهید بخورید و [لی] [به این درخت نزدیک مشوید که از ستمکاران خواهید شد ۱۹

پس شیطان آن دو را وسوسه کرد تا آنچه را از عورت‌هایشان برایشان پوشیده مانده بود برای آنان نمایان گرداند و گفت پروردگارتان شما را از این درخت منع نکرد جز [برای] آنکه [مبادا] دو فرشته گردید یا از [زمره] جاودانان شوید ۲۰

و برای آن دو سوگند یاد کرد که من قطعا از خیرخواهان شما هستم ۲۱

پس آن دو را با فریب به سقوط کشانید پس چون آن دو از [میوه] آن درخت [ممنوع] چشیدند برهنگی‌هایشان بر آنان آشکار شد و به چسبانیدن برگ‌[های درختان] بهشت بر خود آغاز کردند و پروردگارشان بر آن دو بانگ بر زد مگر شما را از این درخت منع نکردم و به شما نگفتم که در حقیقت شیطان برای شما دشمنی آشکار است ۲۲

گفتند پروردگارا ما بر خویشان ستم کردیم و اگر بر ما نبخشایی و به ما رحم نکنی مسلما از زیانکاران خواهیم بود ۲۳

فرمود فرود آیید که بعضی از شما دشمن بعضی [دیگر]ید و برای شما در زمین تا هنگامی [معین] قرارگاه و برخورداری است ۲۴

فرمود در آن زندگی می‌کنید و در آن می‌میرید و از آن برانگیخته خواهید شد 25

ای فرزندان آدم در حقیقت ما برای شما لباسی فرو فرستادیم که عورت‌های شما را پوشیده می‌دارد و [برای شما] زینتی است و [لی] بهترین جامه [لباس] تقوا است این از نشانه‌های [قدرت] خداست باشد که متذکر شوند ۲۶

ای فرزندان آدم زنه‌ار تا شیطان شما را به فتنه نیندازد چنانکه پدر و مادر شما را از بهشت بیرون راند و لباسشان را از ایشان برکند تا عورت‌هایشان را بر آنان نمایان کند در حقیقت او و قبیله‌اش شما را از آنجا که آنها را نمی‌بینید می‌بینند ما شیاطین را دوستان کسانی قرار دادیم که ایمان نمی‌آورند ۲۷

و چون کار زشتی کنند می‌گویند پدران خود را بر آن یافتیم و خدا ما را بدان فرمان داده است بگو قطعا خدا به کار زشت فرمان نمی‌دهد آیا چیزی را که نمی‌دانید به خدا نسبت می‌دهید ۲۸

بگو پروردگارم به دادگری فرمان داده است و [اینکه] در هر مسجدی روی خود را مستقیم [به سوی قبله] کنید و در حالی که دین خود را برای او خالص گردانیده‌اید وی را بخوانید همان گونه که شما را پدید آورد [به سوی او] برمی‌گردید ۲۹

[در حالی که] گروهی را هدایت نموده و گروهی گمراهی بر آنان ثابت شده است زیرا آنان شیاطین را به جای خدا دوستان [خود] گرفته‌اند و می‌پندارند که راه‌یافتگانند 30

ای فرزندان آدم جامه خود را در هر نمازی بگیرید و بخورید و بیاشامید و [لی] [زیاده‌روی] مکنید که او اسرافکاران را دوست نمی‌دارد ۳۱

[ای پیامبر] بگو زیورهایی را که خدا برای بندگانش پدید آورده و [نیز] روزیهای پاکیزه را چه کسی حرام گردانیده بگو این [نعمتها] در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده‌اند و روز قیامت [نیز] خاص آنان می‌باشد این گونه آیات [خود] را برای گروهی که می‌دانند به روشنی بیان می‌کنیم ۳۲

بگو پروردگار من فقط زشتکاریها را چه آشکارش [باشد] و چه پنهان و گناه و ستم ناحق را حرام گردانیده است و [نیز] اینکه چیزی را شریک خدا سازید که دلیلی بر [حقانیت] آن نازل نکرده و اینکه چیزی را که نمی‌دانید به خدا نسبت دهید ۳۳

و برای هر امتی اجلی است پس چون اجلشان فرا رسد نه [می‌توانند] ساعتی آن را پس اندازند و نه پیش ۳۴

ای فرزندان آدم چون پیامبرانی از خودتان برای شما بیایند و آیات مرا بر شما بخوانند پس هر کس به پرهیزگاری و صلاح گراید نه بیمی بر آنان خواهد بود و نه اندوهگین می‌شوند ۳۵ و کسانی که آیات ما را دروغ انگاشتند و از [پذیرش] آنها تکبر ورزیدند آنان همدم آتشند [و] در آن جاودانند ۳۶

پس کیست ستمکارتر از آن کس که بر خدا دروغ بدهد یا آیات او را تکذیب کند اینان کسانی هستند که نصیبشان از آنچه مقرر شده به ایشان خواهد رسید تا آنگاه که فرشتگان ما به

سراغشان بیایند که جانشان بستانند می گویند آنچه غیر از خدا می خواندید کجاست می گویند از [چشم] ما ناپدید شدند و علیه خود گواهی می دهند که آنان کافر بودند 37

می فرماید در میان امتهایی از جن و انس که پیش از شما بوده اند داخل آتش شوید هر بار که امتی [در آتش] درآید همکیشان خود را لعنت کند تا وقتی که همگی در آن به هم پیوندند [آنگاه] پیروانشان در باره پیشوایانشان می گویند پروردگارا اینان ما را گمراه کردند پس دو برابر عذاب آتش به آنان بده [خدا] می فرماید برای هر کدام [عذاب] دو چندان است ولی شما نمی دانید 38

و پیشوایانشان به پیروانشان می گویند شما را بر ما امتیازی نیست پس به سزای آنچه به دست می آوردید عذاب را بچشید 39

در حقیقت کسانی که آیات ما را دروغ شمردند و از [پذیرفتن] آنها تکبر ورزیدند درهای آسمان را برایشان نمی گشایند و در بهشت در نمی آیند مگر آنکه شتر در سوراخ سوزن داخل شود و بدینسان بزهاران را کیفر می دهیم 40

برای آنان از جهنم بستری و از بالایشان پوشش بهاست و این گونه بیدادگران را سزا می دهیم 41

و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند هیچ کسی را جز به قدر توانش تکلیف نمی کنیم آنان همدم بهشتند [که] در آن جاودانند 42

و هر گونه کینه ای را از سینه هایشان می زداییم از زیر [قصرهای] شان نهرها جاری است و می گویند ستایش خدایی را که ما را بدین [راه] هدایت نمود و اگر خدا ما را رهبری نمی کرد ما خود هدایت نمی یافتیم در حقیقت فرستادگان پروردگار ما حق را آوردند و به آنان ندا داده می شود که این همان بهشتی است که آن را به [پاداش] آنچه انجام می دادید میراث یافته اید 43

و بهشتیان دوزخیان را آواز می دهند که ما آنچه را پروردگارانمان به ما وعده داده بود درست یافتیم آیا شما [نیز] آنچه را پروردگارتان وعده کرده بود راست و درست یافتید می گویند آری پس آوازدهنده ای میان آنان آواز درمی دهد که لعنت خدا بر ستمکاران باد 44

همانان که [مردم را] از راه خدا باز می دارند و آن را کج می خواهند و آنها آخرت را منکرند 45

و میان آن دو [گروه] حایلی است و بر اعراف مردانی هستند که هر یک [از آن دو دسته] را از سیمایشان می شناسند و بهشتیان را که هنوز وارد آن نشده و [لی] [بدان] امید دارند آواز می دهند که سلام بر شما 46

و چون چشمانشان به سوی دوزخیان گردانیده شود می گویند پروردگارا ما را در زمره گروه ستمکاران قرار مده 47

و اهل اعراف مردانی را که آنان را از سیمایشان می شناسند ندا می دهند [و] می گویند جمعیت شما و آن [همه] گردنکشی که می کردید به حال شما سودی نداشت 48

آیا اینان همان کسان نبودند که سوگند یاد می کردید که خدا آنان را به رحمتی نخواهد رسانید [اینک] به بهشت درآید نه بیمی بر شماست و نه اندوهگین می شوید 49

و دوزخیان بهشتیان را آواز می دهند که از آن آب یا از آنچه خدا روزی شما کرده بر ما فرو ریزید می گویند خدا آنها را بر کافران حرام کرده است 50

همانان که دین خود را سرگرمی و بازی پنداشتند و زندگی دنیا مغرورشان کرد پس همان گونه که آنان دیدار امروز خود را از یاد بردند و آیات ما را انکار می کردند ما [هم] امروز آنان را از یاد می بریم 51

و در حقیقت ما برای آنان کتابی آوردیم که آن را از روی دانش روشن و شیوایش ساخته ایم و برای گروهی که ایمان می آورند هدایت و رحمتی است 52

آیا [آنان] جز در انتظار تاویل آنند روزی که تاویلش فرا رسد کسانی که آن را پیش از آن به فراموشی سپرده اند می گویند حقا فرستادگان پروردگار ما حق را آوردند پس آیا [امروز] ما را شفاعتگرانی هست که برای ما شفاعت کنند یا [ممکن است به دنیا] باز گردانیده شویم تا غیر از آنچه انجام می دادیم انجام دهیم به راستی که [آنان] به خویشتن زیان زدند و آنچه را به دروغ می ساختند از کف دادند 53

در حقیقت پروردگار شما آن خدایی است که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید سپس بر عرش [جهانداری] استیلا یافت روز را به شب که شتابان آن را می طلبد می پوشاند و [نیز] خورشید و ماه و ستارگان را که به فرمان او رام شده اند [پدید آورد] آگاه باش که [عالم] خلق و امر از آن اوست فرخنده خدایی است پروردگار جهانیان ۵۴

پروردگار خود را به زاری و نهانی بخوانید که او از حدگذرندگان را دوست نمی دارد 55

و در زمین پس از اصلاح آن فساد مکنید و با بیم و امید او را بخوانید که رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است ۵۶

و اوست که بادها را پیشاپیش [باران] رحمتش مژده رسان می فرستد تا آن گاه که ابرهای گرانبار را بردارند آن را به سوی سرزمینی مرده برانیم و از آن باران فرود آوریم و از هر گونه میوه ای [از خاک] برآوریم بدینسان مردگان را [نیز از قبرها] خارج می سازیم باشد که شما متذکر شوید ۵۷

و زمین پاک [و آماده] گیاهش به اذن پروردگارش برمی آید و آن [زمینی] که ناپاک [و نامناسب] است [گیاهش] جز اندک و بی فایده بر نمی آید این گونه آیات [خود] را برای گروهی که شکر می گزارند گونه گون بیان می کنیم ۵۸

همانا نوح را به سوی قومش فرستادیم پس گفت ای قوم من خدا را بپرستید که برای شما معبودی جز او نیست من از عذاب روزی سترگ بر شما بیمناکم ۵۹

سران قومش گفتند واقعا ما تو را در گمراهی آشکاری می بینیم ۶۰

گفت ای قوم من هیچ گونه گمراهی در من نیست بلکه من فرستاده ای از جانب پروردگار جهانیانم ۶۱

پیامهای پروردگارم را به شما می رسانم و اندرزتان می دهم و چیزهایی از خدا می دانم که [شما] نمی دانید ۶۲

آیا تعجب کردید که بر مردی از خودتان پندی از جانب پروردگارتان برای شما آمده تا شما را بیم دهد و تا شما پرهیزگاری کنید و باشد که مورد رحمت قرار گیرید ۶۳

پس او را تکذیب کردند و ما او و کسانی را که با وی در کشتی بودند نجات دادیم و کسانی را که آیات ما را دروغ پنداشتند غرق کردیم زیرا آنان گروهی کور [دل] بودند 64

و به سوی عاد برادرشان هود را [فرستادیم] گفت ای قوم من خدا را بپرستید که برای شما معبودی جز او نیست پس آیا پرهیزگاری نمی کنید ۶۵

سران قومش که کافر بودند گفتند در حقیقت ما تو را در [نوعی] سفاهت می بینیم و جدا تو را از دروغگویان می پنداریم ۶۶

گفت ای قوم من در من سفاهتی نیست ولی من فرستاده ای از جانب پروردگار جهانیانم 67

پیامهای پروردگارم را به شما می رسانم و برای شما خیر خواهی امینم ۶۸

آیا تعجب کردید که بر مردی از خودتان پندی از جانب پروردگارتان برای شما آمده تا شما را هشدار دهد و به خاطر آورید زمانی را که [خداوند] شما را پس از قوم نوح جانشینان [آنان] قرار داد و در خلقت بر قوت شما افزود پس نعمتهای خدا را به یاد آورید باشد که رستگار شوید ۶۹

گفتند آیا به سوی ما آمده ای که تنها خدا را بپرستیم و آنچه را که پدرانمان می پرستیدند رها کنیم اگر راست می گویی آنچه را به ما وعده می دهی برای ما بیاور 70

گفت راستی که عذاب و خشمی [سخت] از پروردگارتان بر شما مقرر گردیده است آیا در باره نامه ای که خود و پدرانتان [برای بتهای] نامگذاری کرده اید و خدا بر [حقانیت] آنها برهانی فرو نفرستاده با من مجادله می کنید پس منتظر باشید که من [هم] با شما از منتظرانم ۷۱

پس او و کسانی را که با او بودند به رحمتی از خود رها کردیم و کسانی را که آیات ما را دروغ شمردند و مؤمن نبودند ریشه کن کردیم ۷۲

و به سوی [قوم] نمود صالح برادرشان را [فرستادیم] گفت ای قوم من خدا را بپرستید برای شما معبودی جز او نیست در حقیقت برای شما از جانب پروردگارتان دلیلی آشکار آمده است این ماده شتر خدا برای شماست که پدیده‌ای شگرف است پس آن را بگذارید تا در زمین خدا بخورد و گزندی به او نرسانید تا [مبادا] شما را عذابی دردناک فرو گیرد 73

و به یاد آورید هنگامی را که شما را پس از [قوم] عاد جانشینان [آنان] گردانید و در زمین به شما جای [مناسب] داد در دشتهای آن [برای خود] کاخهایی اختیار می کردید و از کوهها خانه‌هایی [زمستانی] می تراشیدید پس نعمتهای خدا را به یاد آورید و در زمین سر به فساد برمدارید ۷۴ سران قوم او که استکبار می‌ورزیدند به مستضعفانی که ایمان آورده بودند گفتند آیا می‌دانید که صالح از طرف پروردگارش فرستاده شده است گفتند بی‌تردید ما به آنچه وی بدان رسالت یافته است مؤمنیم ۷۵

کسانی که استکبار می‌ورزیدند گفتند ما به آنچه شما بدان ایمان آورده‌اید کافریم 76

پس آن ماده شتر را پی کردند و از فرمان پروردگار خود سر بیچیدند و گفتند ای صالح اگر از پیامبرانی آنچه را به ما وعده می‌دهی برای ما بیاور ۷۷

آنگاه زمین لرزه آنان را فرو گرفت و در خانه هایشان از پا درآمدند ۷۸

پس [صالح] از ایشان روی برتافت و گفت ای قوم من به راستی من پیام پروردگارم را به شما رساندم و خیر شما را خواستم ولی شما [خیر خواهان و نصیحتگران] را دوست نمی‌دارید ۷۹ و لوط را [فرستادیم] هنگامی که به قوم خود گفت آیا آن کار زشت [ی] را مرتکب می‌شوید که هیچ کس از جهانیان در آن بر شما پیشی نگرفته است ۸۰

شما از روی شهوت به جای زنان با مردان درمی‌آمیزید آری شما گروهی تجاوزکارید 81

ولی پاسخ قومش جز این نبود که گفتند آنان را از شهرتان بیرون کنید زیرا آنان کسانی‌اند که به پاکی تظاهر می‌کنند ۸۲

پس او و خانواده‌اش را غیر از زنی که از زمره باقیمانندگان [در خاکستر مواد گوگردی] بود نجات دادیم ۸۳

و بر سر آنان بارشی [از مواد گوگردی] بارانیدیم پس ببین فرجام گنهکاران چسان بود 84

و به سوی [مردم] مدین برادرشان شعیب را [فرستادیم] گفت ای قوم من خدا را بپرستید که برای شما هیچ معبودی جز او نیست در حقیقت شما را از جانب پروردگارتان برهانی روشن آمده است پس پیمانان و ترازو را تمام نهدید و اموال مردم را کم مدهید و در زمین پس از اصلاح آن فساد مکنید این [رهنمودها] اگر مؤمنید برای شما بهتر است ۸۵

و بر سر هر راهی منشینید که [مردم را] بترسانید و کسی را که ایمان به خدا آورده از راه خدا باز دارید و راه او را کج بخواهید و به یاد آورید هنگامی را که اندک بودید پس شما را بسیار گردانید و بنگرید که فرجام فسادکاران چگونه بوده است 86

و اگر گروهی از شما به آنچه من بدان فرستاده شده‌ام ایمان آورده و گروه دیگر ایمان نیاورده‌اند صبر کنید تا خدا میان ما داوری کند [که] او بهترین داوران است 87

سران قومش که تکبر می‌ورزیدند گفتند ای شعیب یا تو و کسانی را که با تو ایمان آورده‌اند از شهر خودمان بیرون خواهیم کرد یا به کیش ما برگردید گفت آیا هر چند کراهت داشته باشیم ۸۸

اگر بعد از آنکه خدا ما را از آن نجات بخشیده [باز] به کیش شما برگردیم در حقیقت به خدا دروغ بسته‌ایم و ما را سزاوار نیست که به آن بازگردیم مگر آنکه خدا پروردگار ما بخواهد [که] پروردگار ما از نظر دانش بر هر چیزی احاطه دارد بر خدا توکل کرده‌ایم بار پروردگارا میان ما و قوم ما به حق داوری کن که تو بهترین داورانی 89

و سران قومش که کافر بودند گفتند اگر از شعیب پیروی کنید در این صورت قطعاً زیانکارید ۹۰

پس زمین لرزه آنان را فرو گرفت و در خانه‌هایشان از پا درآمدند ۹۱

کسانی که شعیب را تکذیب کرده بودند گویی خود در آن [دیوار] سکونت نداشتند کسانی که شعیب را تکذیب کرده بودند خود همان زیانکاران بودند ۹۲

پس [شعیب] از ایشان روی برتافت و گفت ای قوم من به راستی که پیامهای پروردگارم را به شما رسانیدم و پندتان دادم دیگر چگونه بر گروهی که کافرنند دریغ بخورم 93

و در هیچ شهری پیامبری نفرستادیم مگر آنکه مردمش را به سختی و رنج دچار کردیم تا مگر به زاری درآیند ۹۴

آنگاه به جای بدی [=بلا] نیکی [=نعمت] قرار دادیم تا انبوه شدند و گفتند پدران ما را [هم مسلما به حکم طبیعت] رنج و راحت می‌رسیده است پس در حالی که بی خبر بودند بناگاه [گریبان] آنان را گرفتیم ۹۵

و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم ولی تکذیب کردند پس به [کیفر] دستاوردها [گریبان] آنان را گرفتیم ۹۶

آیا ساکنان شهرها ایمن شده‌اند از اینکه عذاب ما شامگاهان در حالی که به خواب فرو رفته‌اند به آنان برسد ۹۷

و آیا ساکنان شهرها ایمن شده‌اند از اینکه عذاب ما امروز در حالی که به بازی سرگرمند به ایشان دررسد ۹۸

آیا از مکر خدا خود را ایمن دانستند [با آنکه] جز مردم زیانکار [کسی] خود را از مکر خدا ایمن نمی‌داند ۹۹

مگر برای کسانی که زمین را پس از ساکنان [پیشین] آن به ارث می‌برند باز ننموده است که اگر می‌خواستیم آنان را به [کیفر] گناهانشان می‌رساندیم و بر دل‌هایشان مهر می‌نهادیم تا دیگر نشنوند ۱۰۰

این شهرهاست که برخی از خبرهای آن را بر تو حکایت می‌کنیم در حقیقت پیامبرانشان دلایل روشن برایشان آوردند اما آنان به آنچه قبلاً تکذیب کرده بودند [باز] ایمان نمی‌آوردند این گونه خدا بر دل‌های کافران مهر می‌نهد ۱۰۱

و در بیشتر آنان عهدی [استوار] نیافتیم و بیشترشان را جدا نافرمان یافتیم 102

آنگاه بعد از آنان موسی را با آیات خود به سوی فرعون و سران قومش فرستادیم ولی آنها به آن [آیات] کفر ورزیدند پس بین فرجام مفسدان چگونه بود ۱۰۳

و موسی گفت ای فرعون بی‌تردید من پیامبری از سوی پروردگار جهانیاّم ۱۰۴
شایسته است که بر خدا جز [سخن] حق نگویم من در حقیقت دلیلی روشن از سوی پروردگارتان برای شما آورده‌ام پس فرزندان اسرائیل را همراه من بفرست ۱۰۵

[فرعون] گفت اگر معجزه‌ای آورده‌ای پس اگر راست می‌گویی آن را ارائه بده 106

پس [موسی] عصایش را افکند و بناگاه اژدهایی آشکار شد ۱۰۷

و دست‌خود را [از گریبان] بیرون کشید و ناگهان برای تماشاگران سپید [و درخشنده] بود ۱۰۸

سران قوم فرعون گفتند بی‌شک این [مرد] ساحری داناست ۱۰۹

می‌خواهد شما را از سرزمینتان بیرون کند پس چه دستور می‌دهید ۱۱۰

گفتند او و برادرش را بازداشت کن و گردآورندگانی را به شهرها بفرست ۱۱۱

تا هر ساحر دانایی را نزد تو آرند ۱۱۲

و ساحران نزد فرعون آمدند [و] گفتند [آیا] اگر ما پیروز شویم برای ما پاداشی خواهد بود ۱۱۳

گفت آری و مسلماً شما از مقربان [دربار من] خواهید بود ۱۱۴

گفتند ای موسی آیا تو می‌افکنی و یا اینکه ما می‌افکنیم ۱۱۵

گفت شما بیفکنید و چون افکندند دیدگان مردم را افسون کردند و آنان را به ترس انداختند و سحری بزرگ در میان آوردند ۱۱۶

و به موسی وحی کردیم که عصایت را بینداز پس [انداخت و ازدها شد] و ناگهان آنچه را به دروغ ساخته بودند فرو بلعید ۱۱۷

پس حقیقت آشکار گردید و کارهایی که می‌کردند باطل شد ۱۱۸

و در آنجا مغلوب و خوار گردیدند ۱۱۹

و ساحران به سجده درافتادند ۱۲۰

[و] گفتند به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم ۱۲۱

پروردگار موسی و هارون ۱۲۲

فرعون گفت آیا پیش از آنکه به شما رخصت دهم به او ایمان آوردید قطعا این نیرنگی است که در شهر به راه انداخته‌اید تا مردمش را از آن بیرون کنید پس به زودی خواهید دانست ۱۲۳
دستها و پاهایتان را یکی از چپ و یکی از راست خواهیم برید سپس همه شما را به دار خواهیم آویخت ۱۲۴

گفتند ما به سوی پروردگارمان باز خواهیم گشت ۱۲۵

و تو جز برای این ما را به کیفر نمی‌رسانی که ما به معجزات پروردگارمان وقتی برای ما آمد ایمان آوردیم پروردگارا بر ما شکیبایی فرو ریز و ما را مسلمان بمیران 126

و سران قوم فرعون گفتند آیا موسی و قومش را رها می‌کنی تا در این سرزمین فساد کنند و [موسی] تو و خدایانت را رها کند [فرعون] گفت بزودی پسرانشان را می‌کشیم و زنانشان را زنده نگاه می‌داریم و ما بر آنان مسلطیم ۱۲۷

موسی به قوم خود گفت از خدا یاری جوید و پایداری ورزید که زمین از آن خداست آن را به هر کس از بندگان که بخواهد می‌دهد و فرجام [نیک] برای پرهیزگاران است 128

[قوم موسی] گفتند پیش از آنکه تو نزد ما بیایی و [حتی] بعد از آنکه به سوی ما آمدی مورد آزار قرار گرفتیم گفت امید است که پروردگارتان دشمن شما را هلاک کند و شما را روی زمین جانشین [آنان] سازد آنگاه بنگرد تا چگونه عمل می‌کنید ۱۲۹

و در حقیقت ما فرعونیان را به خشکسالی و کمبود محصولات دچار کردیم باشد که عبرت گیرند ۱۳۰

پس هنگامی که نیکی [و نعمت] به آنان روی می‌آورد می‌گفتند این برای [شایستگی] خود ماست و چون گزندی به آنان می‌رسید به موسی و همراهانش شگون بد می‌زدند آگاه باشید که [سرچشمه] بدشگونی آنان تنها نزد خداست [که آنان را به بدی اعمالشان کیفر می‌دهد] لیکن بیشترشان نمی‌دانستند ۱۳۱

و گفتند هر گونه پدیده شگرفی که به وسیله آن ما را افسون کنی برای ما بیاوری ما به تو ایمان آورنده نیستیم ۱۳۲

پس بر آنان طوفان و ملخ و کنه ریز و غوکها و خون را به صورت نشانه‌هایی آشکار فرستادیم و باز سرکشی کردند و گروهی بدکار بودند ۱۳۳

و هنگامی که عذاب بر آنان فرود آمد گفتند ای موسی پروردگارت را به عهده‌ی که نزد تو دارد برای ما بخوان اگر این عذاب را از ما برطرف کنی حتما به تو ایمان خواهیم آورد و بنی اسرائیل را قطعا با تو روانه خواهیم ساخت ۱۳۴

و چون عذاب را تا سررسیدی که آنان بدان رسیدند از آنها برداشتیم باز هم پیمان شکنی کردند
۱۳۵

سرانجام از آنان انتقام گرفتیم و در دریا غرقشان ساختیم چرا که آیات ما را تکذیب کردند و از آنها غافل بودند ۱۳۶

و به آن گروهی که پیوسته تضعیف می شدند [بخشهای] باختر و خاوری سرزمین [فلسطین] را که در آن برکت قرار داده بودیم به میراث عطا کردیم و به پاس آنکه صبر کردند وعده نیکوی پروردگارت به فرزندان اسرائیل تحقق یافت و آنچه را که فرعون و قومش ساخته و افراشته بودند ویران کردیم ۱۳۷

و فرزندان اسرائیل را از دریا گذراندیم تا به قومی رسیدند که بر [پرستش] بتهای خویش همت می گماشتند گفتند ای موسی همان گونه که برای آنان خدایانی است برای ما [نیز] خدایی قرار ده گفت راستی شما نادانی می کنید ۱۳۸

در حقیقت آنچه ایشان در آنند نابود [و زایل] و آنچه انجام می دادند باطل است 139

گفت آیا غیر از خدا معبودی برای شما بجویم با اینکه او شما را بر جهانیان برتری داده است
۱۴۰

و [یاد کن] هنگامی را که شما را از فرعونیان نجات دادیم که شما را سخت شکنجه می کردند پسرانتان را می کشتند و زنانتان را زنده باقی می گذاشتند و در این برای شما آزمایش بزرگی از جانب پروردگارتان بود ۱۴۱

و با موسی سی شب وعده گذاشتیم و آن را با ده شب دیگر تمام کردیم تا آنکه وقت معین پروردگارش در چهل شب به سر آمد و موسی [هنگام رفتن به کوه طور] به برادرش هارون گفت در میان قوم من جانشینم باش و [کار آنان را] اصلاح کن و راه فسادگران را پیروی مکن ۱۴۲

و چون موسی به میعاد ما آمد و پروردگارش با او سخن گفت عرض کرد پروردگارا خود را به من بنمای تا بر تو بنگرم فرمود هرگز مرا نخواهی دید لیکن به کوه بنگر پس اگر بر جای خود قرار

گرفت به زودی مرا خواهی دید پس چون پروردگارش به کوه جلوه نمود آن را ریز ریز ساخت و موسی بیهوش بر زمین افتاد و چون به خود آمد گفت تو منزهی به درگاہت توبه کردم و من نخستین مؤمنانم ۱۴۳

فرمود ای موسی تو را با رسالتها و با سخن گفتیم [با تو] بر مردم [روزگار] برگزیدم پس آنچه را به تو دادم بگیر و از سپاسگزاران باش ۱۴۴

و در الواح [تورات] برای او در هر موردی پندی و برای هر چیزی تفصیلی نگاشتیم پس [فرمودیم] آن را به جد و جهد بگیر و قوم خود را وادار کن که بهترین آن را فرا گیرند به زودی سرای نافرمانان را به شما می نمایانم ۱۴۵

به زودی کسانی را که در زمین بناحق تکبر می ورزند از آیاتم رویگردان سازم [به طوری که] اگر هر نشانه‌ای را [از قدرت من] بنگرند بدان ایمان نیاورند و اگر راه صواب را ببینند آن را برنگزینند و اگر راه گمراهی را ببینند آن را راه خود قرار دهند این بدان سبب است که آنان آیات ما را دروغ انگاشته و غفلت ورزیدند ۱۴۶

و کسانی که آیات ما و دیدار آخرت را دروغ پنداشتند اعمالشان تباه شده است آیا جز در برابر آنچه می کردند کیفر می بینند ۱۴۷

و قوم موسی پس از [عزیمت] او از زیورهای خود مجسمه گوساله‌ای برای خود ساختند که صدای گاو داشت آیا ندیدند که آن [گوساله] با ایشان سخن نمی گوید و راهی بدانها نمی نماید آن را [به پرستش] گرفتند و ستمکار بودند ۱۴۸

و چون انگشت ندامت گزیدند و دانستند که واقعا گمراه شده‌اند گفتند اگر پروردگار ما به ما رحم نکند و ما را نبخشاید قطعا از زیانکاران خواهیم بود ۱۴۹

و چون موسی خشمناک و اندوهگین به سوی قوم خود بازگشت گفت پس از من چه بد جانشینی برای من بودید آیا بر فرمان پروردگارتان پیشی گرفتید و الواح را افکند و [موی] سر برادرش را گرفت و او را به طرف خود کشید [هارون] گفت ای فرزند مادرم این قوم مرا ناتوان

یافتند و چیزی نمانده بود که مرا بکشند پس مرا دشمن شاد مکن و مرا در شمار گروه ستمکاران قرار مده ۱۵۰

[موسی] گفت پروردگارا من و برادرم را بیمارز و ما را در [بناه] رحمت خود درآور و تو مهربانترین مهربانانی ۱۵۱

آری کسانی که گوساله را [به پرستش] گرفتند به زودی خشمی از پروردگارشان و ذلتی در زندگی دنیا به ایشان خواهد رسید و ما این گونه دروغ پردازان را کیفر می دهیم 152

[ولی] کسانی که مرتکب گناهان شدند آنگاه توبه کردند و ایمان آوردند قطعاً پروردگار تو پس از آن آمرزنده مهربان خواهد بود ۱۵۳

و چون خشم موسی فرو نشست الواح را برگرفت و در رونویس آن برای کسانی که از پروردگارشان بیمناک بودند هدایت و رحمتی بود ۱۵۴

و موسی از میان قوم خود هفتاد مرد برای میعاد ما برگزید و چون زلزله آنان را فرو گرفت گفت پروردگارا اگر می خواستی آنان را و مرا پیش از این هلاک می ساختی آیا ما را به [سزای] آنچه کم خردان ما کرده اند هلاک می کنی این جز آزمایش تو نیست هر که را بخواهی به وسیله آن گمراه و هر که را بخواهی هدایت می کنی تو سرور مایی پس ما را بیمارز و به ما رحم کن و تو بهترین آمرزندگان ۱۵۵

و برای ما در این دنیا نیکی مقرر فرما و در آخرت [نیز] زیرا که ما به سوی تو بازگشته ایم فرمود عذاب خود را به هر کس بخواهم می رسانم و رحمتم همه چیز را فرا گرفته است و به زودی آن را برای کسانی که پرهیزگاری می کنند و زکات می دهند و آنان که به آیات ما ایمان می آورند مقرر می دارم ۱۵۶

همانان که از این فرستاده پیامبر درس نخوانده که [نام] او را نزد خود در تورات و انجیل نوشته می یابند پیروی می کنند [همان پیامبری که] آنان را به کار پسندیده فرمان می دهد و از کار ناپسند باز می دارد و برای آنان چیزهای پاکیزه را حلال و چیزهای ناپاک را بر ایشان حرام می گرداند و از [دوش] آنان قید و بندهایی را که بر ایشان بوده است برمی دارد پس کسانی که

به او ایمان آوردند و بزرگش داشتند و یاریش کردند و نوری را که با او نازل شده است پیروی کردند آنان همان رستگارانند ۱۵۷

بگو ای مردم من پیامبر خدا به سوی همه شما هستم همان [خدایی] که فرمانروایی آسمانها و زمین از آن اوست هیچ معبودی جز او نیست که زنده می کند و می میراند پس به خدا و فرستاده او که پیامبر درس نخوانده ای است که به خدا و کلمات او ایمان دارد بگروید و او را پیروی کنید امید که هدایت شوید ۱۵۸

و از میان قوم موسی جماعتی هستند که به حق راهنمایی می کنند و به حق داوری می نمایند ۱۵۹

و آنان را به دوازده عشیره که هر یک امتی بودند تقسیم کردیم و به موسی وقتی قومش از او آب خواستند وحی کردیم که با عصایت بر آن تخته سنگ بزن پس از آن دوازده چشمه جوشید هر گروهی آبشخور خود را بشناخت و ابر را بر فراز آنان سایبان کردیم و گزانگبین و بلدرچین بر ایشان فرو فرستادیم از چیزهای پاکیزه ای که روزیتان کرده ایم بخورید و بر ما ستم نکردند لیکن بر خودشان ستم می کردند ۱۶۰

و [یاد کن] هنگامی را که بدیشان گفته شد در این شهر سکونت گزینید و از آن هر جا که خواستید بخورید و بگویید [خداوندا] گناهان ما را فرو ریز و سجده کنان از دروازه [شهر] درآید تا گناهان شما را بر شما ببخشاییم [و] به زودی بر [اجر] نیکوکاران بیفزاییم ۱۶۱

پس کسانی از آنان که ستم کردند سخنی را که به ایشان گفته شده بود به سخن دیگری تبدیل کردند پس به سزای آنکه ستم می ورزیدند عذابی از آسمان بر آنان فرو فرستادیم 162

و از اهالی آن شهری که کنار دریا بود از ایشان جويا شو آنگاه که به [حکم] روز شنبه تجاوز می کردند آنگاه که روز شنبه آنان ماهیهایشان روی آب می آمدند و روزهای غیر شنبه به سوی آنان نمی آمدند این گونه ما آنان را به سبب آنکه نافرمانی می کردند می آزمودیم ۱۶۳

و آنگاه که گروهی از ایشان گفتند برای چه قومی را که خدا هلاک کننده ایشان است یا آنان را به عذابی سخت عذاب خواهد کرد پند می دهید گفتند تا معذرتی پیش پروردگارتان باشد و شاید که آنان پرهیزگاری کنند ۱۶۴

پس هنگامی که آنچه را بدان تذکر داده شده بودند از یاد بردند کسانی را که از [کار] بد باز می‌داشتند نجات دادیم و کسانی را که ستم کردند به سزای آنکه نافرمانی می‌کردند به عذابی شدید گرفتار کردیم ۱۶۵

و چون از آنچه از آن نهی شده بودند سربلندی کردند به آنان گفتیم بوزینگانی رانده شده باشید ۱۶۶

و [یاد کن] هنگامی را که پروردگارت اعلام داشت که تا روز قیامت بر آنان [= یهودیان] کسانی را خواهد گماشت که بدیشان عذاب سخت بچشانند آری پروردگار تو زودکیفر است و همو آمرزنده بسیار مهربان است ۱۶۷

و آنان را در زمین به صورت گروه‌هایی پراکنده ساختیم برخی از آنان درستکارند و برخی از آنان جز اینند و آنها را به خوشیها و ناخوشیها آزمودیم باشد که ایشان بازگردند ۱۶۸

آنگاه بعد از آنان جانشینانی وارث کتاب [آسمانی] شدند که متاع این دنیای پست را می‌گیرند و می‌گویند بخشیده خواهیم شد و اگر متاعی مانند آن به ایشان برسد [باز] آن را می‌ستانند آیا از آنان پیمان کتاب [آسمانی] گرفته نشده که جز به حق نسبت به خدا سخن نگویند با اینکه آنچه را که در آن [کتاب] است آموخته‌اند و سرای آخرت برای کسانی که پروا پیشه می‌کنند بهتر است آیا باز تعقل نمی‌کنید ۱۶۹

و کسانی که به کتاب [آسمانی] چنگ درمی‌زنند و نماز برپا داشته‌اند [بدانند که] اما اجر درستکاران را تباه نخواهیم کرد ۱۷۰

و [یاد کن] هنگامی را که کوه [طور] را بر فرازشان سایبان آسا برافراشتیم و چنان پنداشتند که [کوه] بر سرشان فرو خواهد افتاد [و گفتیم] آنچه را که به شما داده‌ایم به جد و جهد بگیرید و آنچه را در آن است به یاد داشته باشید شاید که پرهیزگار شوید ۱۷۱

و هنگامی را که پروردگارت از پشت فرزندان آدم ذریه آنان را برگرفت و ایشان را بر خودشان گواه ساخت که آیا پروردگار شما نیستیم گفتند چرا گواهی دادیم تا مبادا روز قیامت بگویند ما از این [امر] غافل بودیم ۱۷۲

یا بگویند پدران ما پیش از این مشرک بوده‌اند و ما فرزندان پس از ایشان بودیم آیا ما را به خاطر آنچه باطل‌اندیشان انجام داده‌اند هلاک می‌کنی ۱۷۳

و اینگونه آیات [خود] را به تفصیل بیان می‌کنیم و باشد که آنان [به سوی حق] بازگردند ۱۷۴
و خبر آن کس را که آیات خود را به او داده بودیم برای آنان بخوان که از آن عاری گشت آنگاه شیطان او را دنبال کرد و از گمراهان شد ۱۷۵

و اگر می‌خواستیم قدر او را به وسیله آن [آیات] بالا می‌بردیم اما او به زمین [= دنیا] گرایید و از هوای ن فس خود پیروی کرد از این رو داستانش چون داستان سگ است [که] اگر بر آن حمله‌ور شوی زبان از کام برآورد و اگر آن را رها کنی [باز هم] زبان از کام برآورد این م ث ل آن گروهی است که آیات ما را تکذیب کردند پس این داستان را [برای آنان] حکایت کن شاید که آنان بیندیشند ۱۷۶

چه زشت است داستان گروهی که آیات ما را تکذیب و به خود ستم می‌نمودند ۱۷۷

هر که را خدا هدایت کند او راه یافته است و کسانی را که گمراه نماید آنان خود زیانکارانند ۱۷۸
و در حقیقت بسیاری از جنیان و آدمیان را برای دوزخ آفریده‌ایم [چرا که] دل‌هایی دارند که با آن [حقایق را] دریافت نمی‌کنند و چشمانی دارند که با آنها نمی‌بینند و گوش‌هایی دارند که با آنها نمی‌شنوند آنان همانند چهارپایان بلکه گمراه‌ترند [آری] آنها همان غافل‌ماندگانند ۱۷۹

و نامهای نیکو به خدا اختصاص دارد پس او را با آنها بخوانید و کسانی را که در مورد نامهای او به کژی می‌گیرند رها کنید زودا که به [سزای] آنچه انجام می‌دادند کیفر خواهند یافت ۱۸۰
و از میان کسانی که آفریده‌ایم گروهی هستند که به حق هدایت می‌کنند و به حق داوری می‌نمایند ۱۸۱

و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند به تدریج از جایی که نمی‌دانند گریبانشان را خواهیم گرفت ۱۸۲

و به آنان مهلت می‌دهم که تدبیر من استوار است ۱۸۳

و اگر آنها را به [راه] هدایت فراخوانید از شما پیروی نمی‌کنند چه آنها را بخوانید یا خاموش بمانید برای شما یکسان است ۱۹۳

آیا نیندیشیده‌اند که همنشین آنان هیچ جنونی ندارد او جز هشداردهنده‌ای آشکار نیست ۱۸۴

در حقیقت کسانی را که به جای خدا می‌خوانید بندگان امثال شما هستند پس آنها را [در گرفتاریها] بخوانید اگر راست می‌گویید باید شما را اجابت کنند ۱۹۴

آیا در ملکوت آسمانها و زمین و هر چیزی که خدا آفریده است ننگریسته‌اند و اینکه شاید هنگام مرگشان نزدیک شده باشد پس به کدام سخن بعد از قرآن ایمان می‌آورند 185

آیا آنها پاهایی دارند که با آن راه بروند یا دستهایی دارند که با آن کاری انجام دهند یا چشمهایی دارند که با آن بنگرند یا گوشههایی دارند که با آن بشنوند بگو شریکان خود را بخوانید سپس در باره من حيله به کار برید و مرا مهلت مدهید ۱۹۵

هر که را خداوند گمراه کند برای او هیچ رهبری نیست و آنان را در طغیانشان سرگردان و می‌گذارد ۱۸۶

بی‌تردید سرور من آن خدایی است که قرآن را فرو فرستاده و همو دوستدار شایستگان است ۱۹۶

از تو در باره قیامت می‌پرسند [که] وقوع آن چه وقت است بگو علم آن تنها نزد پروردگار من است جز او [هیچ کس] آن را به موقع خود آشکار نمی‌گرداند [این حادثه] بر آسمانها و زمین گران است جز ناگهان به شما نمی‌رسد [باز] از تو می‌پرسند گویا تو از [زمان وقوع] آن آگاهی بگو علم آن تنها نزد خداست ولی بیشتر مردم نمی‌دانند 187

و کسانی را که به جای او می‌خوانید نمی‌توانند شما را یاری کنند و نه خویشتن را یاری دهند ۱۹۷

بگو جز آنچه خدا بخواهد برای خودم اختیار سود و زیانی ندارم و اگر غیب می‌دانستم قطعاً خیر بیشتری می‌اندوختم و هرگز به من آسیبی نمی‌رسید من جز بیم‌دهنده و بشارت‌گر برای گروهی که ایمان می‌آورند نیستم ۱۸۸

و اگر آنها را به [راه] هدایت فرا خوانید نمی‌شنوند و آنها را می‌بینی که به سوی تو می‌نگرند در حالی که نمی‌بینند ۱۹۸

اوست آن کس که شما را از ن فس واحدی آفرید و جفت وی را از آن پدید آورد تا بدان آرام گیرد پس چون [آدم] با او [حواء] درآمیخت باردار شد باری سبک و [چندی] با آن [بار سبک] گذرانید و چون سنگین‌بار شد خدا پروردگار خود را خواندند که اگر به ما [فرزندی] شایسته عطا کنی قطعاً از سپاسگزاران خواهیم بود ۱۸۹

گذشت پیشه کن و به [کار] پسندیده فرمان ده و از نادانان رخ برتاب ۱۹۹
و اگر از شیطان وسوسه‌ای به تو رسد به خدا پناه ب ر زیرا که او شنوای داناست 200

در حقیقت کسانی که [از خدا] پروا دارند چون وسوسه‌ای از جانب شیطان بدیشان رسد [خدا را] به یاد آورند و بناگاه بینا شوند ۲۰۱

و چون به آن دو [فرزندی] شایسته داد در آنچه [خدا] به ایشان داده بود برای او شریکانی قرار دادند و خدا از آنچه [با او] شریک می‌گردانند برتر است ۱۹۰

و یارانشان آنان را به گمراهی می‌کشاند و کوتاهی نمی‌کنند ۲۰۲

آیا موجوداتی را [با او] شریک می‌گردانند که چیزی را نمی‌آفرینند و خودشان مخلوقند ۱۹۱

و نمی‌توانند آنان را یاری کنند و نه خویشتن را یاری دهند ۱۹۲

و هر گاه برای آنان آیاتی نیاوری می گویند چرا آن را خود برنگزیدی بگو من فقط آنچه را که از پروردگارم به من وحی می شود پیروی می کنم این [قرآن] رهنمودی است از جانب پروردگار شما و برای گروهی که ایمان می آورند هدایت و رحمتی است ۲۰۳

و چون قرآن خوانده شود گوش بدن فرا دارید و خاموش مانید امید که بر شما رحمت آید ۲۰۴
و در دل خویش پروردگارت را بامدادان و شامگاهان با تضرع و ترس بی صدای بلند یاد کن و از غافلان مباشی ۲۰۵

به یقین کسانی که نزد پروردگار تو هستند از پرستش او تکبر نمی ورزند و او را به پاکی می ستایند و برای او سجده می کنند ۲۰۶ می ستایند و برای او سجده می کنند 206